



کودکی خواهران قالی باف محله و

خانه پدری ما، دانش

گل دفتر



جهانیان از گذشته‌های دور مردم ایران زمین را با دو سند افتخارشان می‌شناسند: شعر و فرش. هنرهایی در آمیخته با خلاقیت، تلاش و شور و عشق که مظهر تجلی فرهنگ مردم ایران زمین هستند. اصلا انگار ذوق ایرانی و ذاتقه زیباشناختی ایرانیان در هنر فرش دستباف ایرانی تجلی یافته است. فرش‌های دستباف ایرانی که به خانه شما رنگ و نقش می‌بخشند، در ابتدا فقط طرحی بر

تمام کارگاه‌های قالی بافی به طور سنتی اداره می‌شد رعایت کرد. به عنوان مثال این کارگاه که در خانه پدری بنا شده بود، تهویه مناسبی داشت و کارگرها همیشه از هوای سالم تنفس می‌کردند، در ساخت کارگاه از مصالحی استفاده شد که از هدررفت سرما، گرما و انباشت رطوبت جلوگیری شود، فضای نشیمن بافنده‌ها اصلاح شد و همچنین دستمزد بیشتری برای مقدار ساعت کاری کمتر در نظر گرفته شد. با این شرایط تعداد زیادی از بافنده‌های روستا ابراز تمایل کردند که در کارگاه قالی بافی پدرم مشغول به کار شوند که البته در ابتدا با سنگ اندازی و مقاومت دیگران روبرو شدند. پدر برای مدت ۳۰ سال به عنوان یک قالی باف موفق با راه اندازی کارگاه‌های مختلف در روستای زادگاهش (دولت آباد) صیانت و نگهداری از این هنر اصیل را برعهده داشت، بعد از پیروزی انقلاب نیز از طریق همکاری با جهادسازندگی توانست کارگاه‌های متعدد قالی بافی را در شهرستان چناران، قوچان و نیشابور راه اندازی و افتتاح کند.

دار قالی رفیق کودکی ما بود

رقیه ذبیحی سه خواهر دارد که همگی تحت آموزش پدر هنر قالی بافی را می‌آموزند. پدر دار قالی را در خانه بر پا می‌کند و همگی دختران موظف بودند بعد از بازگشت از مدرسه و اوقات بیکاری به آموزش بافندگی مشغول باشند. او در این باره توضیح می‌دهد: پدرم چهار دختر دارد، انگار نیت کرده بود همه ما را قالی باف کند! دار قالی را در خانه بر پا کرده و برای هر چهارتای ما کلاس بافندگی قالی برگزار می‌کرد، خودش با حساسیت تمام بر همه موارد نظارت داشت و از کوچکترین خطای ما نمی‌گذشت، خب ما هم بچه بودیم، دوست داشتیم بعضی وقت‌ها با اسباب بازی سرگرم باشیم یا با هم سن و سال‌های خودمان در کوچه و خیابان وقت بگذرانیم، اما از کودکی دوست و همراه ما دار قالی بود و چاقوری قالی بافی، شانه، قیچی و دفتین هم اسباب بازی‌های ما!

از مدرسه که باز می‌گشتم دوساعت حق استراحت و صرف ناهار را داشتیم، بعد باید پشت دار قالی نشسته و کار را شروع می‌کردیم. بیشتر اوقات ما چهار خواهر از کوچک به بزرگ در کنار پدر می‌نشستیم و بدون توجه به زمان و ساعت، روز یا شب، برای ۱۲، ۱۳ ساعت یک‌سره به بافتن قالی مشغول بودیم و انصافا چون پدرمان استادی و تبحر خاصی در قالی بافی داشت، فرش‌های بافته شده ما متقاضی و طرفداران پر و پا قرص خودش را داشت.

خاطرات کار قالی بافی در خانه پدری هیچ‌گاه برای ما چهار خواهر فراموش‌شدنی نیست و نخواهد بود، کار مداوم خستگی داشت، اما از این در کنار هم بودن و باهم بودن لذت می‌بردیم. به دلیل ذوق و شوقی که ما چهارتا خواهر به کار در کنار پدر داشتیم هر چهار تا پنج ماه یک فرش دست بافت ۳ در ۴ متری را می‌بافتیم و پدر فرش بافته شده را به بازار فرش مشهد می‌برد و می‌فروخت. پدر بخشی از پول فروش فرش را برای خودمان هزینه می‌کرد، هر چه دلمان می‌خواست، از کیف و کفش و لباس نوبر برای مدرسه گرفته تا نقل و نبات و خوراکی‌های خوشمزه. او هیچ‌گاه نمی‌گذاشت که دسترنج ما خواهران در بافت قالی بی نتیجه باشد همین موضوع انگیزه یادگرفتن را در وجود ما بیش از پیش تقویت می‌کرد.

گره ترکی و گره فارسی در قالی

رقیه که بعد از ۲۰ سال بافت قالی حالا به یک استاد تمام عیار در هنر قالی بافی تبدیل شده، اطلاعات کاملی درباره نوع بافت‌های قالی در استان خراسان و ایران دارد. به گفته او قالی بافان خراسان بیشتر از روش‌های بافندگی «گره ترکی» و «گره فارسی» بهره می‌برند.

او در توضیح مراحل بافت فرش می‌گوید: «اولین کار طراحی است، بعد رنگ آمیزی طرح و سپس تهیه نخ. حالا می‌خواهد نخ آماده خرید شود، یا قالی باف نخ خام را خودش آماده کند. مرحله بعدی چله کشی دار قالی است، اینجا مرحله آغاز به کار بافت رقم می‌خورد و مرحله بعد از بافت هم پرداخت فرش است. لازم است بگویم پرداخت فرش به دو صورت انجام می‌شود، یکی پرداخت ماشینی است که فرش به صورت صاف و مرتب آماده می‌شود و نوع دیگرش به طور دستی است که با قیچی و دستگاه‌های کوچک انجام می‌شود که کار را برجسته و زیباتر جلوه می‌دهد.»

ذبیحی به انواع بافت فرش در استان خراسان اشاره می‌کند

قالی بافی هنر است یا صنعت؟

رقیه ذبیحی یکی از هنرمندان بنام محله وکیل آباد در عرصه قالی بافی است. او سال ۱۳۵۹ در روستای دولت آباد چناران به دنیا آمده است، این روستای بسیار زیبا که مسیر دسترسی به قله شیرباد، معروف به «بام خراسان» است، سرزمین دارهای قالی است و بیش از ۹۰ درصد بانوان روستا به هنر قالی بافی مشغول هستند. از نظر او حرفه قالی بافی پیش از اینکه یک صنعت باشد، یک هنر است که به عواطف و احساسات درونی هنرمند بستگی دارد: تعداد زیادی از تاجران و بازاریان، قالی بافی را به چشم یک صنعت نگاه می‌کنند، البته افراد دیگری هم هستند که حرفه قالی بافی از نظر آن‌ها یک هنر است. من به این موضوع که قالی بافی هنر است یا صنعت خیلی فکر کرده‌ام، من یک بافنده هستم که هنر سر بنجه خود را بر روی دار قالی خرج می‌کند. بارها متوجه این موضوع شده‌ام که روزهایی با حال و هوای پاییز و یار روزهایی با حال هوای بهاری و همچنین احساس شادی یا غم، در انتخاب رنگ و همچنین کوبش دفتین (ابزاری که وظیفه آن کوبیدن گره‌های فرش و همچنین پودهای آن است) اثر می‌گذارد. محصول چنین فرآیند مملو از احساس را نمی‌توان تکرار کرد، زیرا هر یک از افرادی که دستی بر آتش مراحل مختلف هنر قالی بافی دارند، حال و هوای آن روز خود را خرج کرده و یک اثر هنری خلق کرده‌اند. اثری که به اعتقاد من تنها نام «هنر» برانده آن است. البته به جز عواطف و احساسات درونی هنرمند، یک سری عوامل بیرونی همانند خصوصیات قومی، قبیله‌ای، موقعیت جغرافیایی، اعتقادات مذهبی و حتی افسانه‌ها و اساطیر هم در طراحی و بافت قالی تأثیرگذار است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت.

راه اندازی کارگاهی به نفع بافندگان

بانوی هنرمند محله وکیل آباد، قالی بافی را از پدرش، حسین ذبیحی، آموخته است. او نیز سال ۱۳۲۷ در روستای دولت آباد چناران متولد شده و از کودکی پشت دار قالی نشسته است، به طوری که در ۱۴، ۱۵ سالگی به یکی از بافنده‌های مشهور دولت آباد بدل شده و در سنین جوانی کارگاه قالی بافی خود را راه اندازی می‌کند، کارگاهی که در آن اصل بر حفظ حقوق بافنده‌هاست.

رقیه ذبیحی در وصف پدرش می‌گوید: «پدرم از جمله هنرمندان قالی باف و اصیل است که هنر دستش بسیار جذاب و چشمگیر بوده و نقش مؤثری در حفظ و بقای هنر قالی بافی داشت. او که از کودکی در هنر نقاشی و طراحی دستی نیز توانا بوده، به توصیه پدر بزرگم در کارگاه قالی بافی یکی از اقوام مشغول به کار می‌شود و در سایه علاقه و استعداد خاصی که دارد، هنر فرش بافی و حتی طراحی برخی نقوش و طراحی‌های فرش‌های اصیل ایرانی همچون فرش شاه عباسی، خراسانی، بته جقه، ترکمن یا بخارا، گل فرنگ و... را در مدتی بسیار کوتاه فرامی‌گیرد. پدر (حسین ذبیحی) در سنین نوجوانی به عنوان یک قالی باف زبردست و خوش آتیه مطرح می‌شود و زمانی که اولین فرش دست بافتش را برای فروش به بازار فرش مشهد می‌برد، تعداد زیادی از تاجران و فروشندگان فرش مشهد به کار او علاقه مند شده و سفارش بافت چند تخته قالی و قالیچه را به او می‌دهند.»

بانوی قالی باف محله وکیل آباد از قول پدر شرایط کارگاه قالی بافی آن سال‌های روستای دولت آباد را چنین وصف می‌کند: در دهه ۴۰ و ۵۰ شرایط کارگاه‌های قالی بافی بسیار سخت و طاقت فرسا بود. بیشتر کارگاه‌ها کوچک، تاریک و نمور بود و حتی نشیمن درستی هم نداشت. ساعت کاری زیاد بود و حقوق و دستمزد کم. آسیب‌های جسمی و روحی زیادی از جمله قوز و کمردرد، گردن درد، اختلالات اسکلتی و عضلانی، بیماری‌های چشمی و بیماری‌های پوستی متوجه قالی باف‌ها می‌شد. هیچ کس هم حق اعتراض نداشت و از آنجایی که افراد قالی باف توانایی کار دیگری را نداشتند باید از صاحبان کارگاه‌ها اطاعت می‌کردند. به قول معروف آش کشک خالته، نخوری پاته، بخوری پاته!

رقیه ذبیحی توضیح می‌دهد: پدرم تئاب کار کردن در این شرایط را نداشت و بعد از چندسالی که تقریباً تمام فوت و فن طراحی، بافندگی و حتی رنگرزی را آموخته بود، تصمیم به راه اندازی کارگاه قالی بافی گرفت. او کم و بیش تمام مؤلفه‌های یک کارگاه استاندارد را در روستایی که تقریباً

و توضیح می‌دهد: به طور کلی در ایران و در استان خراسان دورش برای بافت قالی و فرش دستبافت وجود دارد، یکی روش بافت قالی با «گره ترکی» و دیگری بافت قالی با «گره فارسی است».

ظرافت فرش به جز «نوع پرز» که چه جور پشمی باشد و «چند درصد ابریشم» داشته باشد، به نوع گره آن نیز بستگی دارد. قالی‌هایی که با گره ترکی بافته می‌شود به جز ظرافت بی اندازه، بسیار محکم هستند و به این سادگی ها نخ نمایی شوند. نکته جالب در این فرش‌ها این است که با پا خوردن بیشتر، نقش‌ها و ظرافت‌گره‌ها بیشتر نمایان می‌شود، به همین دلیل مشهور است که فرش تبریز هر چه پا بخورد مرغوب‌تر است و هیچ اتفاقی هم برای فرش نمی‌افتد.

رقیه ذبیحی در باره بافت فرش با گره فارسی توضیح می‌دهد: این نوع گره بیشتر به دست قالی بافان در شهرهایی همچون

مشهد، کرمان، اراک، اصفهان، نایین، قم، کاشان و بیرجند بر روی دارهای قالی نقش می‌بندد. گره فارسی بافت به تک عددی بودنش مشهور است، به همین دلیل بافت آن آسان‌تر و حجم و سنگینی قالی یا فرش کمتر از قالی مشابه گره ترکی است.

امکان خطا در قالی بافی گروهی زیاد بود

بانوی هنرمند محله وکیل آباد از نوع نقش‌های قالی به عنوان دیگر تفاوت فرش‌های دستباف با ماشینی یاد می‌کند. همچنین فرش‌های دستباف ممکن است که انفرادی یا گروهی بافته شود. این خانواده وکیل آبادی در بافت فرش‌هایی با طرح‌های گوناگون تبحر دارند. طرح‌های «شاه عباسی»، «اسلیمی»، «اقتباسی»، «افشان»، «بته جقه»، «درختی»، «ترکمن»، «شکارگاهی» و... از جمله طرح‌های قالی‌های دستباف ایرانی است که در هر کدام با توجه به نوع آرایه‌ها،

